

بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری

عزت ملاابراهیمی* - علی اکبر رئیسی**

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران - دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

چکیده

کاربست اسطوره و میراث سنتی از شاخصه‌های بارز شعر معاصر عربی به شمار می‌رود. شاعر معاصر برای القای مفاهیم موردنظر خود به شیوه غیرمستقیم و با عدول از معیارهای رایج زبانی، از اسطوره بهره می‌گیرد تا بتواند تجربه معاصر خود را بیان کند. در این راستا معد جبوری، شاعر معاصر عراقی، نیز برای زیباسازی شعر و بیان اندیشه خود از میراث اساطیری الهام گرفته است تا آرمان‌ها و دغدغه‌های مردم عراق و جهان عرب را فریاد زند. شاعر با درک فضای حساس زمانه، درصدد آگاهی‌بخشی به ملت‌های مسلمان است تا بتوانند به این آرمان‌ها دست یابند. نگارندگان در این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و با هدف بیان دغدغه‌های شاعر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، در پی یافتن مهم‌ترین دلالت‌های معنایی اسطوره در شعر معد جبوری برآمده‌اند. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که جبوری با الهام از میراث اساطیری از گونه‌های متنوع هنجارگریزی در راستای معناآفرینی و برجسته‌سازی متن بهره برده است. این اسطوره‌ها به شکل‌های گوناگون از آرزوها، اشتیاق‌ها و دغدغه‌های شاعر خبر می‌دهد. شخصیت‌های اسطوره‌ای در شعر جبوری همگی دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی دارند و از درد مشترکی می‌نالند. گذشته از این خواهان استقلال و آزادی سیاسی عراق و برقراری عدالت اجتماعی در این کشور هستند.

کلیدواژه: شعر معاصر، میراث سنتی، اسطوره، ادبیات معاصر عراق، معد جبوری.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳

*Email: mebrahim@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

**Email: aliakbar.ra88@gmail.com

مقدمه

انسان معاصر در سایه تنازعات و کشمکش‌های قومی متعدد، از اسطوره به‌عنوان محرکی در راستای تقویت همیاری و اتحاد اجتماعی خود بهره می‌گیرند؛ زیرا ملت‌ها در طول حیات خود افسانه‌ها و اساطیری را بر ساخته‌اند که کم‌وبیش مورد قبول و اعتقاد باطنی آن‌ها بوده است. این اساطیر در میان برخی ملت‌ها بیشتر و پررنگ‌تر است. شاعران معاصر عرب نیز در اشعار خود از کارکرد میراث اساطیری بهره برده و با توجه به محیط و شرایط حاکم بر جهان عرب، افکار و اندیشه‌های خود را با استفاده از دلالت‌های معنایی این اسطوره‌ها تبیین کرده‌اند. امروزه حضور گسترده اسطوره و بازآفرینی معانی آن در ادبیات معاصر عربی، سبب نوآوری و پرباری آن شده است. از این‌رو، اسطوره‌ها به علت شخصیت‌های نمادین خود، بهترین دستمایه شاعران معاصر عربی قرار گرفته‌اند، تا بدین وسیله پرده از اندیشه‌های خود بردارند. شاعران به‌هنگام بیان شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشورهای عربی، از این اسطوره‌ها به‌عنوان نماد سرکشی، اعتراض، مقاومت، رهایی و غیره استفاده کرده‌اند. به‌طور کلی، شاعران بنابر انگیزه‌های مختلف، مفاهیم اساطیری را در آثار خود گنجانده و از آن‌ها برای بیان برانگیختن احساسات ملت‌ها یا اعتراض نسبت به واقعه‌ای نامطلوب سود جست‌ه‌اند. از این‌رو نگارندگان در این جستار به بررسی و تحلیل علل کاربست اسطوره در شعر معد جبوری پرداخته و چگونگی بازآفرینی و تبیین دلالت‌های معنایی آن‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

اهمیت، ضرورت و هدف پژوهش

بدیهی است که کاربست انواع اسطوره‌ها و میراث‌های سنتی در دیوان معد جبوری هرگز به‌صورت تصادفی و ناخودآگاه اتفاق نیفتاده است. چه، شاعر با مظاهر مختلف استبداد و استعمار داخلی و خارجی در کشور عراق مواجه بوده و در برابر

س ۲۰- ش ۷۴- بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/۱۷۳

آن فریاد اعتراض برآورده است. نگارندگان در این پژوهش می‌کوشند تا ضمن شناساندن این شاعر معاصر عراقی، به جامعه ایرانی، به بررسی و تحلیل جلوه‌های مختلف تصاویر برگرفته از اساطیر و میراث کهن بپردازد. از این رو اهمیت پژوهش از این نظر است که با تبیین و تحلیل انواع اسطوره‌ها در شعر جبوری می‌توان از دغدغه‌های شاعر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پرده برداشت و جایگاه هنری او را به جامعه فارسی‌زبان معرفی کرد.

سؤال پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به سؤال زیر است:
- بازآفرینی میراث اساطیری در شعر معد جبوری حامل چه پیام‌هایی برای مخاطبان امروزی است و کدام اسطوره بسامد بیشتری دارد؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بی‌شماری درباره اسطوره و اسطوره‌پردازی در شعر شاعران معاصر ایرانی و عرب، تدوین شده است که به جهت رعایت اختصار، در این پژوهش تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
زینی‌وند و دیگران، (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی بازآفرینی اسطوره پرومته در شعر معاصر عربی و فارسی»، معتقدند شاعران معاصر بنابر انگیزه‌ها و اهداف سیاسی و اجتماعی، اسطوره پرومته را در آثار خود بکار برده و از این اسطوره برای برانگیختن احساسات ملت‌ها، اعتراض به وضع نامطلوب جامعه سود جسته‌اند.

ملاابراهیمی و پروین (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد اسطوره در سروده‌های محمد قیسی»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، مهم‌ترین اسطوره‌های شعر محمد قیسی را بررسی و دلالت‌های معنایی آن را تبیین کرده است.

ناصری و یوسفی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «جاودانگی و نامیرایی در اسطوره‌های شاملو»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، معتقدند تفکر اسطوره‌ای شاملو، مرگ جسمانی قهرمان، حیات ابدی و جاودانی را به همراه دارد و مقصود شاعر از کاربست اسطوره، حیات‌بخشی به قهرمانان شعر خود است.

مختاری و سرسنگی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی اسطوره‌شناختی و روان‌شناختی زن در نمایشنامه‌های دوشیزه جولیا اثر استریندبرگ و در مه بخوان اثر اکبر رادی با تکیه بر نظریات شینودا بولن»، زن در فرهنگ و هنر، که نویسندگان بر اساس رویکرد بولن، عناصر ساختاری اسطوره را که در روان ناخودآگاه جمعی حضور دارند، در نمایشنامه‌های مورد بحث تحلیل و بررسی کرده‌اند.

تحقیقات زیر درباره اشعار معد جبوری است که عبارتند از:

محمد جریسی (۲۰۰۷)، در پایان‌نامه ارشد با عنوان «بنیة الإیقاع فی شعر معد الجبوری»، از ساختار موسیقایی شعر جبوری سخن گفته است.

خلیف خضیر (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «قصيدة اللقاء الأخير للشاعر معد الجبوری قراءة فی المتن الشعری»، به بررسی و تحلیل یکی از قصاید معد جبوری پرداخته است.

اخلاص محمود عبدالله (۲۰۱۳)، در پایان‌نامه دکتری با عنوان «العنوان فی شعر معد الجبوری؛ دراسه سیمیائیة»، به نشانه‌شناسی عنوان‌های دیوان معد جبوری پرداخته و رابطه آن‌ها را با متن شعری وی بررسی کرده است.

س ۲۰- ش ۷۴- بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/ ۱۷۵

الیاسی (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان «ثنائیه الموت والحیة فی شعر معد الجبوری»، از تقابل مرگ و زندگی در اشعار معد سخن می‌گوید. به اعتقاد نویسنده شاعر پیوسته مرگی را می‌ستاید که به آزادی و عدالت می‌انجامد؛ یعنی مرگی قهرمانانه و افتخارآمیز که زندگی ابدی را برای بشر به ارمغان می‌آورد.

طاهری نیا و دیگران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «حرکیة الدلالة وانحراف الحضور فی شعر معد الجبوری»، درصدد بیان دلالت‌های رمزگونه در شعر جبوری برآمده و رمزهای شعری او را با توجه به بافت و سیاق کلام تحلیل کرده‌اند.

ملا ابراهیمی و الیاسی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «جمالیة المكان المغلق والمفتوح فی شعر معد الجبوری»، به تبیین انواع مکان‌های باز و بسته مانند قبر، غار، صحراء در شعر معد پرداخته و از دلالت‌های معنایی آن سخن گفته‌اند.

ملا ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «فضاء الشعر وحضور الحلم: من التشکیل إلى التذلیل؛ قراءة فی تجربة معد الجبوری الشعریة»، از رؤیا به عنوان عنصر مؤثر در ساختار شعری معد سخن گفته و اشاره کرده‌اند که این ابزار بیانی در دو محور منفی و مثبت در سروده‌های شاعر به کار رفته است.

از بررسی پژوهش‌های ذکر شده، درمی‌یابیم که تاکنون در قالب تحقیقی مستقل، به بررسی کاربست میراث اساطیری در شعر معد جبوری پرداخته نشده است. از این رو نگارندگان در این جستار نخست از اسطوره، خاستگاه تاریخی و انگیزه‌های آن که سبب توجه شاعر به اسطوره‌پردازی شده، سخن به میان آورده و سپس انواع اسطوره‌های به کار رفته در شعر معد جبوری را تبیین کرده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

تفکر اسطوره‌ای یک تفکر الگوپذیر و قهرمان‌پرور است که در ارتباط با تاریخ شکل می‌گیرد؛ چرا که تاریخ مهد پرورش قهرمانان و جنگجویان بزرگی است که

هر کدام به نوبه خود می‌توانند در گستره تفکر اسطوره‌ای نقش اسوه و الگو را بازی کنند. (ناصری و یوسفی ۱۳۹۶: ۲۶۶) اسطوره در زبان اروپایی Myth خوانده می‌شود و مشابه آیین مقدس است که حکایت از راز آفرینش دارد (ملاابراهیمی و پروین ۱۳۹۶: ۲۳۶) هرچند اسطوره‌ها از دیرباز در زندگی انسان‌ها وجود داشته و کارکردی اجتماعی ایفا می‌کرده‌اند، اما تا سده‌های اخیر اسطوره‌ها را مانند افسانه‌ها، پدیده‌ای دروغین و جعلی می‌پنداشتند و اهمیتی چندانی برای آن، قائل نبودند. از سده ۱۹ میلادی با نگاه جدی‌تری به اسطوره، آن را خیال‌بافی شاعرانه یا ادبیات داستانی به شمار آوردند.

«هرچند دیرینگی اساطیر باستانی با پیدایش و تکامل زبان انسان هم‌زمان و حتی کهن‌تر از آن است، اما اسطوره‌شناسی به گونه دانشی سنجیده تنها عمری دو‌یست‌ساله دارد؛ یعنی انسان درباره باورهای نمادین چندین هزارساله خویش، به پژوهش علمی دست‌زده است. با این حال پیشینه پژوهش‌های اسطوره‌شناسی حدود چند دهه بیش نیست و این زمان در سنجش با مدت طولانی وجود اساطیر باستانی زمانی بس ناچیز است.» (اسماعیل‌پور ۱۳۷۷: ۱۱)

مشکل بتوان تعریفی برای اسطوره پیدا کرد که در عین حال مقبول همه اندیشمندان و فراخور فهم و درک غیرمتخصصان نیز باشد. اسطوره واقعیت فرهنگی به غایت پیچیده‌ای است که از دیدگاه‌های مختلف و مکمل یکدیگر ممکن است مورد بررسی و تفسیر قرار گیرد. در نظر الیاده «اسطوره نقل‌کننده سرگذشتی قدسی است، راوی واقعه‌ای است که در زمان شگرف بدایت همه چیز رخ داده است.» (۱۳۶۲: ۱۴) ابوالقاسم اسماعیل‌پور نیز تعریف دیگری از اسطوره ارائه می‌دهد و می‌گوید: «اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه‌ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان‌شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌بندد.» (۱۳۷۷: ۱۴-۱۳) این پدیده فرهنگی پرتوهایی از حقایق را با معنا و منطق خاص خود می‌آمیزد و در این رهگذر آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها،

س ۲۰-ش ۷۴-بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/۱۷۷

آرزوهای خفته و ارزش‌های مطلق انسانی نیز تجلی می‌یابد. بدیهی است که این مفاهیم در یک نظام ارتباطی همراه با نوعی دلالت خاص بروز می‌یابد و «این امر به اندام‌وارگی، انسجام و قصه‌گون شدن آن کمک می‌کند.» (براهنی ۱۳۷۱: ۲۲) در هر حال مهم‌ترین کارکرد اسطوره عبارت است از «کشف و آفتابی کردن سرمشق‌های نمونه‌وار همه‌آیین‌ها و فعالیت‌های معنی‌دار آدمی، از تغذیه گرفته تا کار و تربیت، هنر و فرزاندگی، فایده‌دیگر اسطوره بهره‌گیری از آن در عرصه هنر و ادبیات است.» (الیاده ۱۳۶۲: ۱۵-۱۴)

به‌کارگیری سنت یا میراث اساطیری به‌عنوان یک سبک فنی و مستقل در چارچوب شعر عربی، به اواسط قرن بیستم میلادی بازمی‌گردد. این کار نخست توسط شاعران برجسته‌ای چون ادنیس، خلیل حاوی، بدر شاکر سیاب، عبدالوهاب بیاتی، امل دنقل و صلاح عبدالصبور صورت گرفت. انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی در سرزمین‌های عربی از عوامل اصلی تمایل شاعران به جهان اساطیری بوده است. به تدریج کاربست اسطوره در میان شاعران امروزی به گونه‌ای متداول شد که حتی سنتی‌ترین سرایندگان نیز کوشیدند تا با اسطوره‌پردازی، این عناصر را به روزگار خود نزدیک کنند و به یاری اسطوره‌های گذشته، به بازتاباندن روزگار معاصر خویش برخیزند. هرچند منشأ و اساس اسطوره‌ها در میان ملت‌ها به درستی مشخص نیست و برای پیدایش و پدیدآوردنش نمی‌توان تاریخی را معین کرد، اما اسطوره‌ها نزد تمامی ملت‌ها پذیرفته شده‌اند. همچنین در گستردگی افق و عمق اندیشه و سادگی بیان مشترک‌اند و یکی از ویژگی‌های مثبت آن‌ها، جهانی بودن است. معد جبوری نیز به فراخور توانایی، آگاهی و دیدگاه‌های خویش به پدیده اسطوره و گسترده فرهنگی آن توجه فراوانی داشته است. آشنایی عمیق وی با تاریخ و اسطوره قابل انکار نیست و هر یک بر اساس مقتضیات زمان و مکان، رنگ و

آهنگ خاصی یافته‌اند. از این رو، نگارندگان در این پژوهش به تبیین جهان‌شناسی اساطیری این شاعر نوگرای عراقی پرداخته‌اند.

داده‌های اصلی پژوهش

حضور میراث اساطیری به شعر معد جبوری دلالت‌های معنایی گوناگونی بخشیده است که در ادامه به بیان انواع آن‌ها و تبیین معانی هر کدام خواهیم پرداخت:

عنقاء

عنقاء در زبان عربی معادل ققنوس در زبان فارسی است؛ همان پرنده‌ای افسانه‌ای که در اساطیر ایران، یونان، مصر و چین از آن نامبرده شده است. گفته‌اند عنقاء «مرغی کمیاب و تنه‌است و جفت و زایشی ندارد، اما هر هزار سال یک‌بار، بر توده‌ای بزرگ از هیزم بال می‌گشاید و آواز می‌خواند، چون از آواز خویش به وجد می‌آید، با منقارش آتشی می‌افروزد و با سوختن در آتش تخمی از وی پدید می‌آید که بلافاصله آتش می‌گیرد و می‌سوزد و از خاکسترش ققنوس دیگری متولد می‌شود.» (اشمیت ۱۳۸۳: ۲۷۶)

امروزه این پرنده اسطوره‌ای، دیگر نماد منحصرأ یونانی یا مصری و یا متعلق به دوران باستان نیست، بلکه حضور پررنگ آن در بسیاری از تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف جهان محسوس است و نماد جاودانگی تلقی می‌گردد. همان‌گونه که از سروده معد جبوری برمی‌آید، عنقاء می‌سوزد، خاکستر می‌شود، از میان خاکسترش جوجه‌ای سر برمی‌آورد و از نو زندگی را آغاز می‌کند. این اسطوره از منظر شاعر، نماد زندگی پس از مرگ و بازگشت به دوره عزت‌مندی، پس از گذر از مرحله خواری و ذلت است. شاعر از یک‌سو با به‌کارگیری این اسطوره به دنبال بیداری ملت عرب از خواب غفلت است تا از قافله تمدن بشریت عقب نماند و از سوی

س ۲۰- ۷۴- بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/ ۱۷۹

دیگر، رهایی و خلاص خود و ملتش از رنج‌ها، دردها، اختناق و سرکوب‌گری را در وجود ققنوس و سر برآوردنش از میان خاکستر پس از سوختن دوباره می‌داند: «أنا العنقاءُ / .. / أولدُ من رمادي، / وانظروا، / فلكم حطفتُ... وعدتُ، / ثم دُبحْتُ... لکني نحضتُ، / أنا عراکُ فمِ وحنظلُ، / وارتما مآذنِ بمداخنِ، / وشهيقُ بُرحِ / طالع من هاویة... / من ألفِ جرحِ قادمِ صوتي، / کوعدِ لا يُوجَلُ، / طافِحاً بالعنقوانِ الباسلِ.» (۲۰۱۲: ۲۲۹)

به مانند ققنوس از میان خاکستر برمی‌آورد / منم ققنوس / این منم که از میان خاکسترم قد برمی‌افرازم / نگاه کنید / به خاطر شما ربوده شدم و دوباره بازگشتم / سپس قربانی شدم ولیکن دوباره برخاستم / منم که جنگ میان دهان و حنظل را به راه می‌اندازم / این منم که ناله دودها را به گوش‌ها می‌رسانم / ناله‌های جان‌سوز برج‌های بلند / از میان پرتگاه‌های سخت، دوباره می‌درخشم / از هزاران زخمی که در صدایم هویداست / مانند وعده‌ای که به تأخیر نمی‌افتد / درحالی که جوانمردی شجاعانه از وجودم فوران می‌کند.

در این فراز گرد و غباری که از سوختن جسد ققنوس حاصل می‌شود، همان پاره‌شدن ریسمان آرزوهای شاعر است. با این همه در میانه گرد و غبار، هسته‌ای امیدبخش وجود دارد که فرصت تولدی دوباره را برای حیات یافتن و زنده‌شدن مجدد ققنوس فراهم می‌سازد. از این رو، جبوری انبوه افعال (حنظفتُ / عدتُ / ذبحتُ / نهضتُ) را به کار برده است تا سختی تحمل کردن، مردن و زنده‌شدن مجدد را ترسیم کند؛ طوری که با کارکرد اسطوره عنقاء همخوانی و هارمونی داشته باشد. به اعتقاد شاعر، وقتی ظرف هلاکت و نابودی در جامعه انباشته و سرریز گردد، ققنوسی از دل سختی‌ها سر بر می‌آورد تا با در پیش گرفتن مسیر مبارزه، پرچم عدالت و انسانیت را بر پهنه گیتی بگستراند.

اسطوره عنقاء که زبان سرشار از رمز و راز معد جبوری را تعبیر می‌کند، در حقیقت واقعیت‌های غیرقابل‌انکاری در شعر او یافته است. احیای مجدد این

اسطوره و آشکارکردن حقیقت آن برای شاعر «مبتنی بر دلایل بیرونی و درونی است؛ دلایل بیرونی آن را باید در حرکت تمدن و فرهنگ در طول تاریخ ملت عراق دانست و دلایل درونی را باید در ادبیات معاصر عربی و تأثیر آن از ادبیات غربی جست‌وجو کرد.» (جاسم و دیگران ۲۰۱۴: ۱۲۵) در نتیجه با توجه به واقعیت‌های معاصر که ملت عرب با آن مواجه‌اند، جبوری ققنوس را از یک موجود افسانه‌ای محض، به واقعیتی انکارناپذیر در جهان عرب تبدیل کرده است:

«حَدَّثَنِي،/ عن درِبٍ تُنَحَّرُ فِيهِ الْعَنْقَاءُ.../ عن قافلةٍ تتقادفُها ريحُ الصحراء.../ حَدَّثَنِي،/ عن صوتٍ، في مقبرةِ الأسلافِ يغيبُ.../ عن وجهٍ، بين وجوهِ الفرسانِ غريبٌ.../ حَدَّثَنِي.../ حَدَّثَنِي.../ ثُمَّ تَوَارَى،/ فِي ظِلِّ الدَّرْعِ الْمُتَقَوَّبِ.../ يَوْمَ تَلَمَّسْتُ حُطَّاءَهُ،/ كُنْتُ أَفْتِشُ عَنْ وَجْهِ،/ بَيْنَ الْأَقْبَعَةِ الشَّوْهَاءِ...» (۲۰۱۲: ۷۲۷)

با من سخن گفت/ از راهی که ققنوس در آنجا قربانی می‌شود/ از قافله‌ای که باد صحرا آن را به این سو و آن سو پرتاب می‌کند/ با من سخن گفت/ از ناله‌ای که در آرامگاه‌های پیشینیان مخفی می‌گردد/ از چهره‌ای که در میان چهره‌های سوارکاران ناآشناست/ با من سخن گفت و سخن گفت/ سپس مخفی شد/ در سایه زره سوراخ شده/ روزی که گام‌هایش را لمس کردم/ همواره در پی چهره‌ام می‌گردم/ در بین ماسک‌های زشت.

عبارت «درب تُنَحَّرُ فِيهِ الْعَنْقَاءُ» در اندیشه شاعر نماد هویت و موجودیت ملتی است که بازیچه دست هوس‌رانان و امیال حاکمان سودجو و منفعت‌طلب شده است. در نتیجه پرنده‌ای که نماد جاودانگی و عمر طولانی است، در میان این ملت‌های بی‌هویت، ذبح می‌گردد. با این همه شاعر از پا نمی‌نشیند و برای تغییر وضع موجود قیام می‌کند تا ققنوس شعر او، روایت‌گر تمدن جدیدی گردد:

«ها أنتِ تمنحينِ صوتي جسداً / و تخطفينِ صوتي... / دوها أنا أهنضُ من بُرِّي، / أميطُ عن أصابعي، / قِنَاعَ المَوْتِ / أطلعُ كالعنقاءِ من رمادي.» (۲۰۱۲: ۷۲۸)

س ۲۰- ش ۷۴- بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/ ۱۸۱

تو هستی که به ناله‌ام هیکل وجود می‌بخشی / و ناله‌ام را می‌ربایی / من اینجا از چاهم بلند می‌شوم / و از انگشتانم ماسک مرگ را کنار می‌زنم / به‌مانند ققنوس دوباره از زیر خاکستم طلوع می‌کنم.

به اعتقاد شاعر وقتی ملت‌ها و جوامع عربی به بازنگری شخصی یا دگرگون‌شدن اجتماعی نیاز داشته باشند، همچون ققنوس نباید از ایجاد تحول بهراسند. بدین ترتیب، «قصه ققنوس، روایت خودسازی و نوزایی است که شاعر آن را برای مخاطبانش بازگو می‌کند. او می‌خواهد به جای کشتن عنقاء، ملت‌های عرب آن را الگوی زندگی خود قرار دهند.» (عبدالله ۲۰۱۳: ۱۸۷) در واقع، عنقاء در شعر جبوری گویای وضعیت مردمانی است که جایگاه واقعی خود را در نظر نمی‌گیرند و اسباب هلاکت خویش را فراهم می‌آورند. از این رو، باید بکوشند تا هویت واقعی خویش را بیابند و در برابر خشکاندیشی‌ها بشورند. به اعتقاد جبوری این ملت‌ها باید در برابر سنت‌های دست و پاگیری که مانع پیشرفت و رسیدن آن‌ها به آرزوهای والا می‌گردد، قیام کنند همچون پرنده افسانه‌ای ققنوس که نماد نوزایی و بازآفرینی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود و سمبل شخصیت‌های بزرگی است که یک‌تنه توانسته‌اند دفتر تاریخ را رقم زنند:

«وصدی الصوت... / سيفٌ مكسورٌ، / عُلقَ في جِدِّ وَثْنٍ...» (۲۰۱۲: ۷۲۹-۷۲۸)

پژواک صدایم / شمشیر شکسته‌ای شد / که بر گردن بت پرستی آویخت.

از این لحاظ، ققنوس، منبع الهام شاعر و ملت‌های عرب و مسلمان است و گوش سپردن به داستان آن، می‌تواند تلنگری به مخاطبان شعر جبوری بزند تا در میان شکست‌ها و سختی‌ها به آینده‌ای روشن امیدوار باشند:

«انتظروا / لسوف ترون، / أني نافضُ بحرائقي، / ما دبَّ في صدري المدمى / من سكاكينِ تغورُ، / ومن

نیال.» (۲۰۱۲: ۷۳۳)

منتظر باشید / در آینده خواهید دید / منم که اعضای سوزانده شده خود را در هوا می‌پراکنم / آن زمان که در سینه خون‌آلودم / زخم چاقوها / و پیکان‌ها فرو می‌رود.

شهرزاد

از جمله داستان‌های کهن مشرق‌زمین، افسانه هزار و یک شب است که شهرزاد مهم‌ترین شخصیت داستانی این افسانه، «با مهارت در قصه‌سرایی برای پادشاه، با اصلاح نگرش پادشاه به زندگی و درمان بیماری روحی او، توانست جان دختران سرزمینش را از تیغ شمشیر وی نجات دهد.» (حمدی ۱۹۶۶: ۱۲۸) شهرزاد را رمز طبیعت پیچیده و مبهم دانسته‌اند که در ادبیات معاصر عربی نماد دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های انسان معاصر به شمار می‌رود. (عشری زاید ۲۰۰۶: ۵۴) رمزوارگی اسطوره شهرزاد مورد توجه معد جبوری قرار گرفته است. شاعر می‌کوشد تا با کاربست نمادین شهرزاد، «تابلویی گویا از اوضاع آشفته سیاسی - اجتماعی بغداد ترسیم و آراء و آلام خود و ملتش را بیان کند.» (نصیر ۱۹۷۹: ۳۳) وی با تشبیه وعده‌های پوچ‌سران عربی به قصه‌های شهرزاد، ضمن دعوت انقلابیون به صبر و استقامت، به آنان نوید آزادی می‌دهد و برای تحقق آرمان‌شهر خویش از آنان مدد می‌جوید. جبوری شهرزاد را سمبل حقیقت‌طلبی و دادخواهی می‌داند. از این رو، مرگ شهرزاد، در شعر او مرگ آرمان‌ها و آرزوهای بشریت است و زندگی و حیات شهرزاد، تحقق این آرزوها را میسر می‌گرداند:

«أمنحُ الریحَ أنشودتی، / والصحاري بُراقی / أعبدُ النار، / ألقى النیاشینَ بینَ یدیکِ / أرتمی جُنَّةً... / أختفی بینَ عینیکِ، / أمتدُ بینَ اندفاعی وشکّی / أختفی... ثمُّ أبکی... / غلغلی فی عروقی / أشعلی فی دمی موقداً، / واسبحی فی حرقی / أمس حینَ اختفیت، / انشطرت، / افتقدت امتدادي / وابتلعت السکاکین، / من أجل عینیکِ یا شهزادی / واحترقت / فتعربت، / ثم ارتدیت رمادی / عربد الموح، / فی مُقلتی شهرزاد / طالت اللیلَةُ الألفُ.» (جبوری ۲۰۱۲، ۲۲ - ۲۱)

س ۲۰-ش ۷۴-بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/۱۸۳

سروده‌ام را به باد تقدیم می‌کنم/ صحراها براق من هستند/ آتش را می‌پرستم/ نیزه‌ها را در میان دستانت می‌اندازم/ جسدی را پرتاب می‌کنم/ در میان چشمانت مخفی می‌شوم/ در بین شک و تردید دراز می‌کشم/ پنهان می‌شوم/ و سپس می‌گیریم/ در رگ‌هایم جوششی به پا کن/ در خونم آتشدان انتقام را شعله‌ور ساز/ در آتشم غوطه‌ور شو/ دیروز آن هنگام که مخفی شدم/ منم تکه‌تکه شدم/ و آرامش خود را از دست دادم/ و چاقوها را بلعیدم/ همه این کارها به خاطر چشمان تو بود ای شهرزاد من!/ تو آتش گرفتی/ و فارغ گشتی/ سپس خاکسترم را پوشیدی/ موج ناله سر داد ای شهرزاد!/ در چشمانم، هزار بار شب طولانی شد.

شاعر در این فراز نخست با عبارت «أَلْقِي النِّيشَانَ بَيْنَ يَدَيْكَ/ أُرْتَمِي جُثَّةً بَعَثَرُهَا شَطَايَا، مِنْ وَمِضِّ الْعِنَاقِ»، روح خیزش و عزت‌مندی را در وجود مخاطبان خود برمی‌انگیزد. آنگاه برای تحقق آرمان‌های کشورش، هزاران شهرزاد را زنده می‌کند و در وجود آن‌ها آتش انقلاب و دگرگونی را شعله‌ور می‌سازد.

سندباد

از جمله شخصیت‌های عامیانه میراث کهن که در شعر معاصر عربی دلالت‌های معنایی گوناگونی چون بلندپروازی، ماجراجویی و جهانگردی یافته، سندباد است. او «با ثروت هنگفت پدر بازرگان و کاردان خود، مدت زمانی به عیش و نوش پرداخت و تمام اندوخته‌های پدر را به باد داد. چون تهیدست شد به خود آمد و دست به سفرهای دریایی زد. سندباد به قصد کسب ثروت و فرونشاندن میل فطری به ماجراجویی و کشف ناپیداها، سفرهای هفت‌گانهٔ پرماجری را آغاز می‌کند که البته با اتکا به تدبیر و ابتکار شخصی و گاه بخت‌نیک خویش، بر تمامی مشکلات فایق می‌آید.» (بلحاج ۲۰۰۴: ۱۰۸-۱۰۹)

در شعر جبوری، ملت عراق زندگی سندباد گونه و پرماجرایی دارند و در شرایط دشوار سیاسی به سر می‌برند؛ «آنگاه که امکان رشد و پیشرفت می‌یابد، به‌خوبی از آن‌ها بهره نمی‌برد. وقتی متوجه از دست رفتن سرمایه خود می‌شود که کار از کار گذشته است. مردم عراق به درستی نمی‌دانند که برای ساختن و آبادانی کشور و سرزمین ویران خود باید سختی‌ها را به جان بخرند و با آنچه که آن‌ها را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌کند، همراه گردند.» (عبدالله ۲۰۱۳: ۶۷-۶۶) به اعتقاد شاعر ملت‌های عربی، در به وجود آمدن گرفتاری‌های خود دخیل هستند و برای برون‌رفت از مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید بسان سندباد سفرهای مخاطره‌آمیزی را انجام دهند:

«كَمْ طَمَّتْ حُطَى السِّنْدِبَادِ/ وَانْتَظَرْنَا سِينَا،/ هَرَمْنَا عَلَى الْعَبَاتِ/ وَالتَّجَانَا إِلَى الرَّحَلَةِ الثَّامِنَةِ/ بَعْدَ ان قِيلَ: مَا تَ/ ذُفِنَ السِّنْدِبَادُ.» (جبوری ۲۰۱۲: ۲۳-۲۲)

گام‌های سندباد وسیع‌تر شد/ و سال‌ها منتظر ما ماند/ زمان‌ها و دوران‌ها ما را پیر کرد/ سفر هشتم را انتخاب کردیم/ و پس از مدتی گفته شد: او مُرد/ سندباد دفن شد.

سندباد در شعر معاصر، «توصیف دردهای جسمی و روحی شاعر و پژواک صدای عراق معاصر است که تغییرات سیاسی و اجتماعی آن، با ناکامی روبه‌رو شده است.» (اسماعیل ۱۹۷۲: ۲۰۳) معد جبوری با کاربست این اسطوره، به بیان دردها و رنج‌های هموطنان خود می‌پردازد. سندباد نزد او بُعدی دیگر نیز می‌یابد و به نماد تمدنی جدیدی تبدیل می‌گردد. هرچند سندباد بحری با انجام سفرهای مخاطره‌آمیز و موفقیت در آن‌ها، به اهداف خود دست می‌یابد، اما سندباد جبوری، به‌رغم کسب موفقیت‌هایی، به طور کامل از عهده مأموریت‌ها بر نمی‌آید. گاه بر سندباد جبوری رویارویی میان امید و ناامیدی سایه می‌افکند و گاه در وادی یأس مطلق فرو می‌رود:

س ۲۰-ش ۷۴-بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/۱۸۵

«في ثيابِ الحِداذِ/ أخطفُ مصباحَ علاءِ الدِّينِ،/ أو شرعاً سندبادُ/ فاشتعلني فيّ،/ حُذيني،/ لأطلَّ
مرَّةً أخرى على ذاتي،/ أطلَّ مرَّةً أخرى.» (جبوری ۲۰۱۲: ۴۲۷)

در لباس عزاداری،/ چراغ‌های علاء‌الدین یا بادبان سندباد را می‌ربایم،/ آن را در من
روشن کن/ مرا بگیر/ تا بار دیگر بر خودم آگاهی یابم،/ بار دیگر آگاهی یابم.

سندباد شاعر همان جرقه پرتوافشانی بر سرزمین‌های ناآشنا و نامأنوس است
که شاعر با کاربست آن به دورترین سرزمین‌های خیالی سفر می‌کند. در واقع،
سندباد همان تزلزل زبانی وهنجارگریزی زبانی است که زخم‌های شاعر به وسیله
آن التیام می‌یابد. شاعر از مخاطب خود انتظار دارد مانند سندباد جرأت خطرپذیری
داشته باشد تا بتواند چراغ عدالت و انسانیت را برافروزد. گویی او به کمک سندباد
می‌خواهد با حرارت هرچه بیشتر «به جنگ شعر و الفاظ برود و در میدان شعر
پیروزی و سرافرازی را برای ملت ستم‌دیده و مظلوم عراق به ارمغان بیاورد.» (جاسم
و دیگران ۲۰۱۴: ۱۱۴) از سوی دیگر جبوری معنای عاقبت‌به‌خیری و سرافرازی را با
کارکرد این اسطوره در ذهن مخاطب القاء می‌کند. لذا با حلول در شخصیت سندباد،
وظیفه برانگیختن امت عرب را بر دوش می‌گیرد و برای تحقق خواسته‌های خویش
و هم‌نسلان خوارشده‌اش دست به کار می‌شود:

«أنا السندبادُ،/ الذي حملَ الطينَ والياسمينَ،/ إلى جُزُرٍ،/ لم يحطْ بها طائرُ الحُلمِ،/ من قبلِ،/ فانتسعتْ
لِرؤى القلبِ،/ يُطلقُ فيها،/ رفيفَ القطا،/ وشهيقَ البراري/ يضمُّ شواطئها/ تحت خيمته،/ وتطوفُ
عليها/ فجاجين قهوتيه،/ وهي مرَّةٌ/ و من قلبِ هذي المدينة،/ كنتُ حملتُ التعاويدَ،/ في طُرُقائِي
أنتُرُها،/ والأساطيرَ،/ بينَ السواحلِ أنثُرُها،/ والرواينَ،/ أفتحها للحمامِ الأليفِ،/ أنا السندباد.»
(جبوری ۲۰۱۲: ۷۰۹-۷۰۸)

من سندبادم/ که خاک و یاسمن را به دوش می‌گیرد/ و آن را تا اعماق زمین فرو
می‌برد/ جایی که پرنده آرزوها قبلاً در آنجا فرود نیامده است/ با دیدار قلب وسعت
یافت/ تا به مانند مرغ سنگ خوار در فضا پرواز کند/ و ساحل‌ها را بشکافد/ زیر
چادر او، فنجان‌های قهوه‌اش گردانده می‌شود/ و آن قهوه‌ها چقدر تلخ است/ من

از قلب این شهر طلسم‌ها را بر می‌گیرم / و در مسیرم آن‌ها را می‌پراکنم / اسطوره‌ها را نیز برمی‌گیرم / و میان ساحل‌ها پخش می‌کنم / روزنه‌های امید را برای مرگ همدم می‌گشایم / من سندبادم.

انکیدو

از جمله اسطوره‌های پرکاربردی که در شعر معاصر عرب جایگاه والایی یافته، اسطوره بین‌النهرینی انکیدو و گیلگمش است که به سبب دلالت‌های معنایی متعددی چون «دوستی، دشمنی، میرایی، میل به جاودانگی، یقین‌ورزی و غیره»، (ستاری ۱۳۸۴: ۳۳) مورد اقبال شاعران معاصر عرب قرار گرفته و هر کدام با الهام از این اسطوره به شکل ماهرانه‌ای رنج‌ها و آلام شخصی و اجتماعی خود را به تصویر کشیده‌اند. انکیدو قهرمان سومری است که «کهن‌ترین سند بدست آمده از آن در الواحی به نام حماسه گیلگمش، متعلق به هیجده قرن قبل از میلاد است.» (فضایلی ۱۳۸۴: ۱۹۱) از این اسطوره در عهد عتیق نیز سخن رفته است. (وارنر ۱۳۸۶: ۲۱۹) گیلگمش از پادشاهان سومری شهر اوروک، در بین‌النهرین و شهر یاری خیره‌سر و زیانکار بود. بزرگان شهر از رفتار ناشایست او به خدایان خویش شکوه بردند. از این رو، انکیدو برای رهانیدن مردم از آزار و اذیت‌های گیلگمش، آفریده شد. این قهرمان برگزیده برای رقابت با گیلگمش از صحراء به شهر اوروک آمد و به محض ورود، یک مسابقه کشتی با گیلگمش ترتیب داد، اما به زودی دریافت که آن دو برای دوستی با یکدیگر آفریده شده‌اند. بدینسان کینه‌توزی انکیدو نسبت به گیلگمش، به دوستی بین آن‌ها و پیوستن دو ابر قدرت به یکدیگر در جنگ با اهریمنان انجامید.» (سویلیم ۲۰۱۰: ۵۹-۵۶)

انکیدو یکی دیگر از اسطوره‌های مورد توجه جبوری است؛ زیرا به خاطر اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور عراق و احساس تعهد شاعر به آرمان‌های انسانی

و انقلابی خود، بستر مناسبی را برای فراخوانی این اسطوره در سروده‌هایش فراهم می‌آورد. گفتنی است که عراق در طول تاریخ معاصر خود، همواره از سلطه نظام‌های مستبد رنج می‌برد. هرچند وقوع جنبش‌های انقلابی و مردمی در سال ۱۹۵۸، منجر به آزادی این کشور از سلطه استبداد شد، اما دیری نپایید که در سال‌های بعد، به دلیل درگیری‌های داخلی، آمریکا و داعش بر این سرزمین سلطه یافتند. شاعر انکیدو را حامی عدالت و انسانیت و نماد خیزش و رستاخیز ارزش‌های والای انسانی می‌داند که با مرگ او، این آرمان‌ها از بین می‌رود. کاربست اسطوره انکیدو در شعر جبوری، در واقع، نقابی است برای بیان رنج‌ها و دردهایی که انسان‌های معاصر شاعر کشیده‌اند. جبوری حاکمان و اشغال‌گران سرزمین خود را بسان گیلگمش خشن می‌بیند که ملت عراق را با اقدامات خودسرانه خود به رنج افکنده‌اند. به‌رغم آنکه انکیدو در افسانه‌های کهن موجب آرامش گیلگمش بود، اینک در جهان معاصر شاعر تنها مانده، آرامشش از بین رفته و در وادی مرگ افتاده است. حال که انکیدو در جوامع عربی، به‌ویژه کشور عراق مورد توجه قرار نمی‌گیرد، مرگش بهتر از حضور اوست. از این رو، شاعر ضمن الهام‌گیری از مفهوم اصلی و محوری مرگ در اسطوره یادشده در شعرش، به مرگ‌پذیری انکیدو معاصر تن می‌دهد و می‌گوید:

«تمضین، / ویقی (أنکیدو) / وأما انکیدو / فی الغایة، / یهوی کالجذع المنخوز / ینشف کالخروب، / یجف کبئر مهجوز / أنکیدو مازال وحیداً، / یغمزه الثلج، / أنکیدو یجهل / کیف ترؤضه الأنتی، / فدعیه یسقط / فوق الجسد القدسی، / کتور وحشی / ودعیه یودع جوع الغایة...» (جبوری ۲۰۱۲: ۶۳)

شماها می‌روید / و انکیدو در بیشه باقی می‌ماند؛ / بسان تنه فرسوده درخت فرو می‌افتد / مانند گیاه خروب پژمرده می‌شود / و همچون چاه آب دورافتاده‌ای به خشکی می‌گراید / پیوسته انکیدو تنهاست / برف آن را فرو می‌پوشاند / انکیدو

نمی‌داند که چگونه زنانگی او را می‌پروراند/ او را واگذار تا چون گاو وحشی بر بالای جسد مقدس فرو افتد؛/ رهایش کن/ تا با گرسنگی جنگل خداحافظی کند.

نتیجه

بعد از بررسی اشعار معد جبوری باید چنین نتیجه گرفت که:

- معد جبوری با فضاسازی مناسب، دخالت‌دهی شخصیت‌های اسطوره‌ای و با انتخاب زبانی سمبلیک، در پی کشف جاودانگی عزت مرگ‌زده کشور عراق برآمده است. به دیگر سخن، شاعر با کاربست اسطوره‌های کهن می‌خواهد به ساماندهی اوضاع ناهمساز و ناهمگون میهنش پردازد. پس به جرأت می‌توان گفت که انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی در سرزمین‌های عربی به طور عام و در کشور عراق به طور خاص، از عوامل اصلی توجه شاعر به بازآفرینی میراث اساطیری بوده است. از این رو، جبوری می‌کوشید تا در بستر شعری خود از ارائه مستقیم عواطف و احساساتش بپرهیزد و با دخالت دادن شخصیت‌های نمادین، دغدغه‌های سیاسی وطن عربی را برشمارد. او همچنین برای برون‌رفت از این چالش‌ها، راه‌کارهایی را ارائه می‌دهد. پس از بررسی این چند اسطوره می‌توان چنین استنباط کرد که اکثر اسطوره‌های جبوری از حس تاریخی و درک سیاسی شاعر نشأت گرفته است و ریشه در تعهد وی در قبال قضایای انسان معاصر عربی دارد. بدین سبب شخصیت‌های اسطوره‌ای جبوری عموماً مشکل سیاسی و اجتماعی دارند، از دردی مشترک می‌نالند و یا خوارشدگی عاطفی را تجربه کرده‌اند. افزون بر آن شیوه کاربست این اسطوره‌ها و نحوه حضور دادن آن‌ها در متن شعری جبوری، خواننده را به این دریافت نزدیک می‌کند که او در به کارگیری اسطوره، هم اغراض سیاسی و اجتماعی و هم اهداف هنری را مدنظر داشته و از این طریق کوشیده است تا پوشیده‌تر و ادیبانه‌تر سخن بگوید.

س ۲۰- ۷۴- بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/ ۱۸۹

- بهره‌گیری از میراث اساطیری سبب شده تا شاعر بتواند مفاهیم مورد نظر خود را با ساختار جدیدی به مخاطب عرضه کند که می‌توان آن را آشنایی‌زدایی و هنجارشکنی در طرح اندیشه‌ها نام نهاد. به عبارتی دیگر شاعر افکار و آرمان‌های خود را آشکارا و شتابزده به مخاطب ارائه نمی‌دهد، بلکه به گونه‌ای سخن می‌گوید تا خواننده برای دریافت مفهوم آن قدری تفکر نماید. با این سبک، شاعر مخاطب شعر خود را فعال و کارساز، نه مصرف‌کننده و غیرمتفکر، قرار می‌دهد. در این صورت هر خوانشگری می‌تواند بنابر ذهنیت خود برداشتی از شعر اسطوره‌ای جبوری داشته باشد. این رویکرد به ظهور چند معنایی در شعر می‌انجامد که از نظر منتقدان ادبی امری ستوده است.

- جبوری با استفاده از میراث کهن عربی و فرهنگ و تمدن اقوام ملل مختلف که منبع الهام او بوده‌اند، به خوبی توانسته است اندیشه‌ها، احساسات، خواسته‌های خود را در متن شعری‌اش حضور دهد. به بیان دیگر، ققنوس، شهرزاد، سندباد و انکیدو به نوعی معادل خود شاعرند که برای ترسیم کامیابی‌ها یا ناکامی‌های او به سروده‌هایش راه یافته و همزاد او گشته‌اند. این همزادپنداری سبب می‌شود تا او به خوبی بتواند با شخصیت‌های اساطیری درآمیزد و تجربه‌های معاصر خویش را بر آن‌ها حمل کند. بدینسان جبوری به اسطوره‌های کهن ابعاد جدید می‌بخشد و آن‌ها را با تجربه‌های معاصر خود همگام و همسو می‌سازد.

کتابنامه

اسماعیل پور، ابوالقاسم، ۱۳۷۷. *اسطوره بیان نمادین*. تهران: توس.
اسماعیل، عزالدین، ۱۹۷۲. *الشعر العربی المعاصر قضایاه وظواهره الفنیة والمعنویة*. ج ۲. بیروت: دار العوده.

- ۱۹۰ / فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی ————— عزت ملاابراهیمی - علی اکبر رئیسی
- اشمیت، ژوئل، ۱۳۸۳. فرهنگ اساطیر یونان و رم. ترجمه شهلا برداردان خسرو شاهی. تهران: روزبهان.
- الیاده، میرچا، ۱۳۶۲. چشم‌اندازهای اسطوره. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- الیاسی، حسین، ۲۰۱۸. «ثنائية الموت والحياة في شعر معد الجبوري»، دراسات الأدب المعاصر، ۱۰(۳۷)، صص. ۲۰-۹.
- براهنی، رضا، ۱۳۷۱. طلا در مس. تهران: نویسنده.
- بلحاج، کاملی، ۲۰۰۴. أثر التراث في تشكيل القصيدة العربية المعاصرة. دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- جاسم، محمد و دیگران، ۲۰۱۴. شجر الحروف و أغصان الكتابة: قراءات في شعر معد الجبوري. بغداد: دار الاتحاد العام للكتاب والباحثين في نينوى.
- جریسی، محمد، ۲۰۰۷. «بنیة الإيقاع في شعر معد الجبوري»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه موصل.
- جبوری، معد، ۲۰۱۲. الأعمال الشعرية الكاملة. عمان: دار فضاءات.
- حمدي، محمد عصمت. ۱۹۶۶. الكاتب العربي و الأسطورة. قاهره: المجلس الأعلى لرعاية الفنون والأدب والعلوم الإجتماعیه.
- خضير، خليف، ۲۰۰۹. «قصيدة اللقاء الأخير للشاعر معد الجبوري قراءة في المتن الشعري»، مجله آداب الرافدين، ۴۸(۲)، صص. ۱۲۶-۱۱۵.
- ستاری، جلال، ۱۳۸۴. پژوهشی در اسطوره گیلگمش و افسانه اسکندر. تهران: مرکز.
- سویلیم، احمد، ۲۰۱۰. أشهر الأساطير و الملاحم الأدبية في التراث الإنساني. قاهره: دارالعالم العربي.
- طاهری نیا، علی باقر و دیگران، ۱۳۹۸. «حركية الدلالة وانحراف الحضور في شعر معد الجبوري»، لسان مبین، ۱۰(۳۵)، صص. ۸۰-۶۱.
- عبدالله، اخلاص محمود، ۲۰۱۳. «العنوان في شعر معد الجبوري؛ دراسة سيميائية»، پایان‌نامه مقطع دکتری دانشگاه موصل.
- عشری زاید، علی، ۲۰۰۶. استدعاء الشخصيات التراثية في الشعر العربي المعاصر. قاهره: دار غریب للطباعة والنشر والتوزيع.
- فضایلی، سودابه، ۱۳۸۴. فرهنگ غریب. تهران: افکار.

- س ۲۰- ش ۷۴- بهار ۱۴۰۳ _____ بازخوانی اسطوره‌های برجسته در شعر معد جبوری/۱۹۱
- مختاری و سرسنگی، ۱۴۰۱. «مطالعه تطبیقی اسطوره‌شناختی و روان‌شناختی زن در نمایشنامه‌های دوشیزه جولیا اثر استریندبرگ و در مه بخوان اثر اکبر رادی با تکیه بر نظریات شینودا بولن»، زن در فرهنگ و هنر، ۱۴(۲)، صص. ۲۴۰-۲۲۳.
- ملا ابراهیمی، عزت و حسین الیاسی، ۱۳۹۸. «جمالیة المكان المغلق والمفتوح فی شعر معد الجبوری»، *دراسات فی اللغة العربیة و آدابها*، ۱۰(۲۹)، صص. ۲۰-۱.
- ملا ابراهیمی، عزت و دیگران، ۱۳۹۹. «فضاء الشعر وحضور الحلم: من التشکیل إلى التبدیل؛ قراءة فی تجربة معد الجبوری الشعریة»، *دراسات فی العلوم الانسانیة*، ۲۷(۲)، صص. ۱۷-۳۸.
- ملا ابراهیمی، عزت و حشمت پروین، ۱۳۹۶. «کاربرد اسطوره در سروده‌های محمد قیسی»، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب*، ۱۳(۴۹)، صص. ۲۶۴-۲۳۶.
- ناصری، ناصر و لعبا یوسفی، ۱۳۹۶. «جاودانگی و نامیرایی در اسطوره‌های شاملو»، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب*، ۱۳(۴۹)، صص. ۲۶۵-۲۹۸.
- نصیر، یاسین، ۱۹۷۹. «شهریار و شهرزاد و أسطورة التحدی المتکافی»، *مجله التراث الشعبي*، (۵).
- وارنر، رکس، ۱۳۸۶. *دانشنامه اساطیر جهان*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: اسطوره.

References (In Persian)

- Abdo al-Ilāh, Exlās Mahmūd. (2013/1391SH). “*al-‘onvān fī Še’re Ma’do al-jabūrī: Derāsato Sīmīyā’īyyat*” (“The title in Maad al-Jubouri’s poem; Semiological study”). PhD thesis. University of Mosul.
- Ašarī Zāyed, Ali. (2005/1384SH). *Ested’ā al-šaxsīyyāto al-tarāsīyyat fī al-še’re al-‘arabī al-mo’āser* (Invoking the historical characters in contemporary Arabic poetry). Qāhere: Dāro Qarīb lel-tabā’at va al-našr va al-towzī’ (Dar Gharib for printing and publishing and distribution).
- Barāhni, Rezā. (1993/1371SH). *Talā dar Mes* (Gold in copper). Tehrān. Publications of the author.
- Belhāj, Kāmelī. (2004/1382SH). *Asaro al-tarās fī Taškīlo al-qasīdato al-‘arabīyyato al-mo’āserat* (The effect of tradition in the formation of modern Arabic poetry). Damešq: Ettehādo al-ketābe al-‘arab.
- Eliade, Mircea. (1984/1362SHSH). *Češm-andāzhā-ye Ostūre* (Perspectives of myth). Tr. by Jallāl Sattārī. Tehrān. Tūs.
- Elyāsī, Hoseyn. (2018/1396SH). *Sanā’īyato al-mowt va al-hayāt fī Še’re Ma’do al-jabūrī, Derāsāto al-adabe al-mo’āser* (“Duality of death and life in the poem of Maad al-Jubouri”, *Derāsāt al-Adab al-Mawdakh*). 10th Year. No. 37. Pp. 9-20.
- Esmā’ī-lpūr, Abo al-qāsem. (1998/1377SH). *Ostūre-ye Bayāne Namādīn* (The myth of symbolic expression). Tehrān. Tūs.
- Esmā’īl, Ezzo al-ddīn. (1972/1350SH). *al-še’ro al-‘arabī al-mo’āsere Qazāyāh va Zavāhero al-fannīyat va al-ma’navīyyat* (Contemporary Arabic poetry, artistic and spiritual issues and phenomena). 2nd ed. Beyrūt: Dāro al-‘ūdah.
- Fazāyelī, Sūdābah. (2005/1384SH). *Farhange Qarāyeb* (Strange culture). Tehrān. Afkār.
- Hamdī, Mohammad Esmat. (1998/1377SH). *al-kātebo al-‘arabī va al-ostūreh* (Al-Kateb Al-Arabi and Mythology). Qāhere: al-majleso al-a’lā le-re’āyato al-fonūn va al-adab va al-‘olūme al-ejtemā’īyyat (Majlis Al-Ali for the protection of arts, literature and social sciences).
- Jabūrī, Mo’ed. (2012/1390SH). *al-a’ mālo al-še’rīyyato al-kāmelat* (Al-Kamalla’s poetic works). Ommān. Dāre Fazā’āt.
- Jarīsī, Mohammad. (2007/1385SH). “*Banīyyato al-‘īqā fī Še’re Ma’do al-jabūrī*” (“Baniya al-Iqaa in Maad al-Jubouri’s poem”). Master’s thesis, University of Mosul.
- Jāsem, Mohammad and others. (2014/1392SH). *Šajaro al-horūf va Aqsān al-ketābat: Qerā’āt fī Še’re Mo’edo al-jabūrī* (The tree of letters

and the branches of writing: Readings in the poetry of Maad al-Jubouri). Baqdād. Dāro al-ettehāde al-‘ām Lel-ketāb va al-bāhesīn fī Nīnavī (Dar Al-Ittihad General General for Books and Researchers in Nineveh).

Mollā Ebrāhīmī, Ezzat and Hešmat Parvīn. (2017/1396SH). “*Kār-borde Ostūre dar Sorūdehā-ye Mohammad Qeysi*” (“*The use of myth in the poems of Mohammad Qaysi*”). *Quarterly Journal of Mytho- Mystic Literature. Islamic Azad University- South Tehran Branch*. 13th Year. No. 49. Pp. 236-264.

Mollā Ebrāhīmī, Ezzat and Hoseyn Elyāsī. (2019/1398SH). “*Jamālīyyato al-makāno al-moqlaq va al-maftūho fī Še’re Mo’edo al-jabūrī*” (“*The Beauty of the Closed and Open in the Poem of Maad Al-Jubouri*”). *Derāsāt fī al-lloqato al-‘arabīyyat va Ādābhā*” (*Studies in Arabic Language and Literature*). 10th Year. No. 29. Pp. 1-20.

Mollā Ebrāhīmī, Ezzat and others. (2020/1399SH). “*Fazā’o al-še’r va Hozūro al-helm: Mena al-taškīle Ela al-tadlīl: Qerā’at fī Tajrobat Mo’edo al-jabūrī-yo al-še’rīyyat*” (“*The space of poetry and the presence of dreams: Man al-Tashkil ili al-Tadaleel; Reading in the experience of Maad al-Jubouri al-Shaariyyah*”). *Derāsāt fī al-‘olūme al-ensānīyyat (Studies in Al-Uloom al-Insaniyah*, 2nd Year. N. 27. Pp. 17-38.

Moxtārī and Sar-sangī. (2022/1401SH). “*Motāle’e-ye Tatbīqī-ye Ostūre-šenāxtī va Ravān-šenāxtī-ye Zan dar Namāyeš-nāme-hā-ye Dūšīze Julia Asare Strindberg va dar Meh Bexān Asare Akbare Rādī bā Tekye Bar Nazarīyyāte Shinoda Bullen*” (“*A comparative study of the mythological and psychological nature of women in the plays of Strindberg's Miss Julia and Akbar Radi's Der Meh Bakhwan based on Shinoda Bullen's ideas*”). *Women's magazine in culture and art*. 2nd Year. No. 14. Pp. 223-240.

Nāserī, Nāser and La’yā Yūsefī. (2017/1396SH). “*Jāvedānegī va Nā-mīrāyī dar Ostūrehā-ye Šāmlū*” (“*Immortality and Immortality in Shamlu Myths*”). *Quarterly Journal of Mytho- Mystic Literature. Islamic Azad University- South Tehran Branch*. 13th Year. No. 49. Pp. 265-298.

Nasīr, Yāsīn. (1979/1357SH). “*Šahrīyār va Šahr-zād va Ostūrato al-tahaddī-yo al-motakāfī*” (“*Shahriar and Shahrazad and the legend of al-Tahdi al-Mutakafee*”). *Al-Trath al-Shaabi Magazine*. No. 5.

Sattārī, Jallāl. (2006/1384SH). *Pažūhešī dar Ostūre-ye Gīlgameš va Afsāne-ye Eskandar (research on the myth of Gilgamesh and the legend of Alexander)*. Tehrān: Markaz.

Schmidt, Joel. (2005/1383SH). *Farhange Asātīre Yūnān va Rom (Culture of Greek and Roman mythology)*. Tr. by Šahlā Berdārdān Xosrow Šāhī. Tehrān. Rūz-bahān.

Soylem, Ahmed. (2010/1388SH). *Ašharo al-asātīr va al-malāhemo al-adabīyyat fī le-torāse al-ensānī (The most famous legends and literary compositions in human heritage)*. Qāhere: Dāro al-‘āleme al-‘arabī.

Tāherī Nīyā, Alī Bāqer and others. (2019/1398SH). “*Harkīyato al-dalālat va Enherāfo al-hozūr fī Še’re Ma’do al-jabūrī*” (“*Movement of Significance and Deflection of Presence in Maad Al-Jubouri's Poem*”). *Lasan Mobin magazine*. 10th Year. No. 35. Pp. 61-80.

Warner, Rex. (2007/1386SH). *Dāneš-nāme-ye Asātīre Jahān (Encyclopedia of World Mythology)*. Tr. by Abo al-qāsem Esmā’īl-pūr. Tehrān. Ostūreh.

Xazīr, Xalīf. (2009/1387SH). “*Qasīdato al-leqā’o al-axīr lel-šā’er Ma’da al-majbūrī Qerā’at fī al-matno al-še’rī*” (“*The poem of the last meeting of the poet Maad al-Jubouri, read in al-Mutan al-Shaari*”). *Majallye Ādābo al-rāfedīn (Magazine of Adaab al-Rafdīn)*. 2nd Year. No. 48. Pp. 115-126.

Reexamining Significant Myths in Maad Jabouri 's Poetry

Ezzat Mollāebrāhimi

The Professor of Arabic Language and Literature, University of Tehran

***Aliakbar Raeesi**

Ph. D. of Arabic Language and Literature, University of Tehran

The employment of myth and traditional heritage is a significant aspect of modern Arabic poetry. Contemporary poets utilize myth to convey their intended ideas indirectly and by deviating from conventional language norms, enabling them to express their contemporary experiences. Maad Jabouri, a contemporary Iraqi poet, has also been influenced by mythological heritage to enhance his poetry and articulate his thoughts, representing the aspirations and concerns of the people of Iraq and the Arab world. The poet recognizes the delicate atmosphere of the era and endeavors to inform the Muslim nations so they can address these concerns. The authors of the present study, employing an analytical-descriptive method with the intention of expressing the poet's concerns in the political and social realms, aim to identify the most crucial semantic implications of myth in Maad Jabouri's poetry. The study's findings suggest that Jabouri, inspired by the mythological legacy, has employed diverse non-conventional myths to create meaning and accentuate the text. These myths illustrate the poet's desires, passions, and concerns in various ways. In Jabouri's poetry, all mythological characters embody political and social concerns and lament a shared suffering. Additionally, they yearn for Iraq's independence and political freedom, as well as the establishment of social justice within the country.

Keywords: Modern Arabic Poetry, Heritage, Myth, Iraq, Maad Jabouri.

*Email: mebrahim@ut.ac.i

**Email: aliakbar.ra88@gmail.com

Received: 2023/10/04

Accepted: 2023/12/24